

ادامه از صفحه اول

بی‌استانداردوبدون حق شهر

...کشته‌شدن چند نفر بر اثر انفجار دینامیت هنگام تهیه فیلم، برخورد قطار باری با تانکر سوختی، برخورد دو قطار با هم و کشته‌شدن عده‌ای زیاد، حوادث زیاد مرتبط با پروژه‌های پل و زیرگذرسازی متعدد و تصادفات بیش از اندازه رانندگی و مرگومیر ناشی از آنها، تکرار پی‌درپی این حوادث دال بر این است که در جامعه و اقتصاد ما استاندارد معنایی ندارد. نه از سازوکارهای پیشگیری حوادث نشانی هست و نه از سازوکارهای امدادسانی به‌موقع. نبود این سازوکارها یا استانداردایز نبودن جامعه و اقتصاد مشکل است مرتبط با ضعف‌های مدیریتی، چه در سطح کلان و شهری و بخشی و چه در سطح بنگاهی. ضعف‌هایی که باقی باقی است، بروز چنین حوادثی را به ناچار موجب می‌شود. به‌همین‌دلیل باید به‌جد نگران آینده بود. آینده پایتخت و احتمال کشته‌شدن صدها هزار نفر بر اثر زلزله و آتش‌سوزی‌های گازی ناشی از آن و حمله جمعیت بالای موش‌ها و شیوع وبا، دو، هزینه‌های جانی و مالی مرتب بر این حوادث شاخص خوبی از هزینه‌های معاملاتی بالا در جامعه و اقتصاد ماست.همین‌طورنشانه‌ای از زندگی ناشاد و استرس‌زا و دلهره‌آور در کلانشهرها به‌خصوص تهران، در همه جا، فرایند مدرنیسم همراه با تک‌سولوی‌شدن زندگی و در نتیجه تنهایی و استرس ناشی از آن است. در همه جای جهان کلان‌شهرها هرچه بزرگ‌تر می‌شوند، گویی به تعبیر ماکس وبر به قفسی بزرگ تبدیل می‌شوند. با وجود این، وقتی شهر به صورت بی‌قاعده رشد می‌کند و به تعبیر دیوید هاروی مناسبات سودجویانه سرمایه در ایران ملغمه‌ای از مناسبات سنتی تجددستیز پیشامدن و سرمایه‌ی تجاری و مستغلاتی، تعیین‌کننده قواعد بازی آن می‌شود، حق شهروندی دسترسی به شهری مناسب برای زندگی، خیلی بیشتر مخدوش می‌شود؛ چراکه حداقل‌های ساماندهی شهر به علت سوء مدیریت شدید رعایت نمی‌شود. متأسفانه، کلان‌شهر تهران مصداقی از چنین وضعی است. کلاف سردرگم مشکلات تهران به‌خوبی نشانه‌ای از فقل‌شدگی نظاممند این شهر است. تهران مانند خانه کلنگی بسیار فرسوده‌ای است که نه می‌توان با آن کنار آمد و به حداقل احساس شادی و آرامش موجود در کلان‌شهرهایی مانند پاریس و توکیو دست یافت و نه می‌توان با تعمیرات جزئی مشکلاتش را رفع و رجوع کرد و از این طریق به آینده امید بست. مشکلاتی که ریشه در بنیان‌ها و پی‌های زیرساختی ضعیف و ساخت و ساز بسیار نادرست آن از منظر خطوط ارتباطی و نقاط تلاقی شهری دارد. این وضع ریشه در کارکرد آن چیزی را دارد که به اثر پروانه‌ای معروف است. اتفاقی کوچک در زمان حال می‌تواند موجب بروز اتفاقی بزرگ در آینده شود. سنگ‌پی‌های نادرستی که سال‌هاست به تهران و ایران تهران بنا گذاشته‌شد، امروز خود را در ابعادی وسیع بازتاب می‌دهد. رشد بیش از اندازه جمعیت، توسعه افقی شهر و مصرف بیش از اندازه زمین‌های بایر، نبود سیاست صنعتی معطوف به ساماندهی مطلوب بخش صنعت و متعاقب آن بخش کشاورزی، تبدیل‌کردن کلان‌شهرها به مکان‌های جذب سرمایه و رشد سرمایه‌ی تجاری و مستغلاتی، افزایش مهاجرت به تهران و سایر کلان‌شهرها، بی‌توجهی به استانداردهای شهرسازی و سهول‌انگاری در پیشبرد آن، تبدیل شهر به محل درآمدزایی شهرداری و گسترش افقی شهر و ساخت‌وسازهای بی‌رویه از جمله علل اولیه مرتبط با همین موضوع است که در ابتدا چندنان بازنایی نداشت. اینک پس از گذشت سال‌ها، آن آثار کوچک اولیه به توفان‌های بزرگ مرتبط به هم تبدیل شده‌اند که به روش‌های معمول، پاسخی برایشان وجود ندارد. سه، در کنار مشکلات ساختاری مذکور، مشکل دیگری نیز وجود دارد که فرهنگی است. تلاش برای از نزدیک به تماشای حادثه آتش‌سوزی و فروریزی ساختمان پلاسکو نشستن، نشانه‌ای خوب از رفتار بدون حساب و کتاب مردم است. در اینجا نیز استانداردها رعایت نمی‌شود. افراد به هر قیمتی دست به قمار می‌زنند و تن به ریسک بالا می‌دهند. از بالا استانداردسازی صورت نمی‌گیرد. از پایین نیز به آن توجهی نمی‌شود. به این صورت قلقل‌شدگی نظام‌مند تشدید می‌شود. اینکه چرا رفتار مردم بیشتر از نوع شنیداری و تماشایی ریسک‌پذیر است، نیاز به تحلیلی جامعه‌شناسانه دارد. در مقام حدس اولیه، شاید یکی از علل مهم آن همزیستی تناقض‌نمای رشد مدرنیسم در ایران از سویی و سیطره گرایش‌های تجددستیز در سوی دیگر باشد. این وضع اجازه پیدایش فضاهای عمومی برای ابراز شادی و هیجان عمومی ن داده است. در نتیجه، دست‌کم بخشی از مردم از هر فرصتی برای تخلیه هیجان خود بهره می‌برند؛ حتی اگر همراه با ریسک بالا باشد؛ در چهارشنبه‌سوری با استفاده از وسایل آتش‌زا و در زمان حوادثی مانند آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو از نزدیک به تماشای آن پرداختن.

این رفتار جانشین می‌دهد جامعه و اقتصاد ایران در اعماق خود به‌دور از استانداردها عمل می‌کند و هزینه‌های جانی و مالی مختلفی را از این محل رقم می‌زند. شاید سنت‌های نادرستی مانند کشتن غیراخلاقی شتر در مناسبت‌های خاص و با هیجان به تماشای آن ایستادن یا اعدام در ملاً عام و با هیجان به استقبال آن رفتن نیز دراین‌باره اثرگذار باشند. خلاصه کنیم؛ آتش‌سوزی و فروریزی ساختمان پلاسکو در کنار سایر حوادث مکرر و رفتار هیجانی و غیرمنطقی مردم دلالت بر نبود استانداردها در اقتصاد و جامعه ما و قلقل‌شدگی نظام‌مند دارد.

♦ **استادیار مؤسسه مطالعات بازرگانی**

شرق: چهار هزار نفر بی‌کار شدند. این محاصل آتش‌سوزی و فروریختن ساختمانی است که نماد تهران مدرن بود؛ چهارهزارنفری که در کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر مشغول کار بوده و به لطف قانون کار، در شمول قوانین مربوط به بازرسی و نظارت ایمنی و حفاظت محیط کار قرار نداشتند. همین شد که کارفرمایان خرد مجتمع تجاری «پلاسکو» بی‌آنکه به کسی پاسخ‌گو باشند، مسائل ایمنی را پشت گوش انداختند و البته کارفرمای اصلی (بنیاد مستضعفان) هم پیگیر ماجرا نشد. ساختمانی با ایمنی نازل که حتی به شبکه گاز شهری هم متصل نبود، هرروز و هرشب میزان کارگرانی بود که نشان خود را به هر بهایی می‌خواستند، حتی بدون بیمه و امکانات کافی. حالا که از مجموع ۵۶۰ واحد این مجتمع تجاری ۱۷ طبقه، زیر صد واحد مشمول بیمه اموال (و نه ملک) بودند و مغازه‌داران و کارفرمایان خرد آن هم، طعم ورشکستگی را می‌چشند، دیگر امیدی به اشتغال این تعداد گسترده از کارگران آن هم تنها دو ماه مانده به عید نوروز نیست. این آینده گنگ و درهم، این تعداد عظیم کارگران را دل‌نگران آتیه خود کرده است. حالا این کارگران که نه‌تنها محل کارشان مورد بازرسی بازرسان وزارت کار قرار نگرفته، بلکه اغلب مشمول بیمه تأمین اجتماعی هم نیستند، با سرنوشتی نامعلوم دست‌وپنجه نرم می‌کنند و بیمه بی‌کاری هم به آنها تعلق نمی‌گیرد. در چنین شرایطی شاید تنها راه نجات این افراد، درخواست بیمه بی‌کاری از متولی اصلی آن (وزارت کار) باشد که به اصل اولیه بازرسی این کارگاه‌ها؛ چه از نظر ایمنی و چه از نظر شمول بیمه تأمین اجتماعی عمل نکرده است.

ایمنی کارگران، دست‌خوش بی‌مبالاتی

حسین اکبری، فعال مستقل کارگری، در گفت‌وگو با «شرق» درباره حفاظت و ایمنی در قانون کار می‌گوید: در فصل چهارم قانون کار، «حفاظت فنی و بهداشت کار» مورد تاکید واقع شده است. در این فصل توضیح داده شده که برای صیانت از نیروی کار، رعایت دستورالعمل‌هایی لازم است. براین‌اساس، شورای‌عالی حفاظت فنی، مسئول اجرای این دستورالعمل‌ها شناخته می‌شود. در ماده ۹۵ این فصل به کارفرمایان مسئولیت داده می‌شود تا مطابق مصوباتی که شورای‌عالی حفاظت فنی تعیین می‌کند، عمل کنند. میحت دوم این فصل، بازرسی کارگاه‌ها را برعهده بازرسان منصوب وزارت کار می‌گذارد. درمجموع، نظارت و بازرسی برعهده بازرسان وزارت کار است. در بخش دیگری از قانون نیز جرائمی برای تخلفات در این زمینه تعیین شده است. اکبری در تشریح این مسئله، این نکته را یادآور می‌شود که به استناد ماده ۱۹۱ قانون کار، در شرایط خاصی بخشی از کارگران از شمول قانون کار خارج می‌شوند. اشاره او به کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر است که طبق این ماده، بخشی از مقررات رسیدگی به آتش‌سوزی و فروریختن ساختمانی است که طبق قانون کار، در این سال‌ها به‌شدت مورد بازرسی قرار می‌گیرد. اگرچه در این سال‌ها به‌شدت مورد بازرسی قرار می‌گیرد، اما این کارگاه‌ها، امکان‌ات فنی، بهداشتی و ایمنی‌شان بسیار اندک است. به‌نحوی‌که حتی برخی از مکان‌ها لوله‌کشی گاز هم ندارد.

به گفته اکبری، شرکت ملی گاز بنا بر اینکه ساختمان این مجموعه، در اشل‌های استاندارد نمی‌گنجد، از اعطای گاز به آنها خودداری کرده است.

«شرق» در گفت‌وگویی که با سخنگوی شرکت ملی گاز داشت، باخبر شد که درخواستی از سوی مالک این مجموعه برای اتصال به شبکه ملی گاز نشده است. البته مجید بوجارزاده این پرسش را که چرا باید یک مجتمع تجاری حتما درخواستی برای اتصال به شبکه داشته باشد و چرا اجباری در اتصال به شبکه وجود ندارد، بی‌پاسخ گذاشت.

هنوز ساختمان «پلاسکو» فرو نریخته بود که طبق شایعات مغازه‌داران پلاسکو دربره در به دنبال چکا و سفته‌های خود بی‌توجه به هشدارهای آتش‌نشانی، وارد مجتمع تجاری می‌شدند. گویا اعتمادی در کار نبود و امید به باقی‌ماندن محاصل زندگی‌شان نداشتند. امیدی که با فروریختن «پلاسکو» به کل بر باد رفت. این تنها بخشی از ماجرا بود. آن‌گونه که از خبرها به گوش می‌رسد، ۶۰۰ میلیارد تومان پوشاک دیوشده شب عید، جلوی چشم صاحبانشان، در آتش سوخت. شعله‌هایی که خنمان آنها را به آتش کشید. حسین مهدی‌زاده، عضو اتحادیه پوشاک گفته میزان خسارت ریزش ساختمان پلاسکو، حدود ۶۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود.

یک‌پنجم واحدهای پلاسکو بیمه بودند

این همه در حالی است که از ۵۶۰ واحد تجاری این مجتمع سوخته، فقط حدود ۱۵۰ واحد بیمه آتش‌سوزی داشتند؛ آن هم صرفاً بیمه اموال و نه بیمه ملک. به همین خاطر، خاکستر ریزش این ساختمان قدیمی، بر تمام زندگی صنوف پوشاک این مجتمع نشست. مدیرعامل بیمه ایران درباره بیمه واحدهای تجاری این مجتمع گفته: این بیمه از روز شنبه (امروز) آماده پرداخت خسارت‌های حادثه ریزش ساختمان پلاسکو است. محسن پورکiani با بیان اینکه خسارت‌های این حادثه به‌طور کامل پرداخت می‌شود، اظهار کرد: براساس برآورد ما صد واحد تجاری و اداری در ساختمان پلاسکو بیمه آتش‌سوزی داشتند و سرمایه‌های متفاوتی تحت پوشش بیمه بودند. این بیمه نیز فقط شامل اموال آنها می‌شود. وی ادامه داد: ما برای بررسی این وضعیت ستاد بحرانی را در شعبه فردوسی تشکیل دادیم و از روز شنبه نیز آماده پرداخت خسارت‌ها هستیم.

در همین زمینه مدیر آتش‌سوزی بیمه البرز هم خبر داده ۱۱ واحد در ساختمان پلاسکو تحت پوشش بیمه البرز هستند و سایر واحدها مشمول بیمه‌های دیگر می‌شوند. علیرضا مقدم البته گفته خسارت ملک شامل پوشش بیمه آتش‌سوزی نمی‌شود.

مقرب گفته: با توجه به اینکه اکثر واحدهای ساختمان پلاسکو به صورت سرقفلی هستند، تنها موجودی و اجناس واحدها شامل پوشش بیمه‌ای می‌شوند و خسارت ملک شامل پوشش بیمه آتش‌سوزی نمی‌شود. وی افزود: ما با صاحبان بیمه‌نامه‌ها هماهنگ می‌کنیم تا به دفاتر بیمه البرز مراجعه کنند و براساس سقف بیمه‌نامه آنها، پرداخت خسارت‌ها صورت خواهد گرفت.

مدیر بیمه‌های آتش‌سوزی بیمه البرز افزود: کارشناسان بیمه آتش‌سوزی بیمه البرز در حال برآورد میزان خسارت هستند اما بر اساس برآوردهای اولیه بین ۱.۵ تا دو میلیارد تومان در مجموع به این ۱۱۱ واحد پرداخت خواهد شد.

این یعنی حدود ۴۵۰ واحد تجاری این مجتمع مشمول بیمه

اقتصاد



عکس: مریم قریب/سپهرنا، این روزها برای کارگران بازار سکه و ارز در شرایط نیمی‌تعطیل قرار گرفت و بیشتر صرافی‌ها در پی وقوع این اتفاق کرکره‌هایشان را پایین کشیده‌اند. مشاهدات از بازار ارز و سکه حاکی از آن است که بسیاری از صرافی‌ها مغازه‌های خود را تعطیل و تابلیوی قیمت‌های خود را خاموش کرده‌اند.

کارگاه‌هایی که تا ۱۰ نفر نباشند، بازرسی نمی‌شوند

خودمختاری درپلاسکو

وزارت کار ملزم به پرداخت بیمه بی‌کاری به ۴ هزار کارگر پلاسکو شود

به تخلفات و ضرورت نظارت، از آن حذف می‌شود. این فعال کارگری با اشاره به اینکه کارگاه‌ها در مجتمع تجاری پلاسکو هم زیر ۱۰ نفر هستند، می‌گوید: قرار بر این‌ بود که قانون مربوط به کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر، یک تا دو سال برقرار بوده و سپس مجدداً شرایط به قیل برگردد، اما شاهدیم این روند به قوت خود باقی است و این امکان را برای همیشه برای کارفرمایان باز گذاشته است که بخشی از قانون کار را برای کارگران به اجرا دریاورند.

پلاسکو به شبکه ملی گاز متصل نبود!

او در ادامه با تاکید بر اینکه کارگاه‌هایی مانند پلاسکو، اجاره‌ای هستند، می‌افزاید: درحال‌حاضر مالک اصلی این ساختمان بنیاد مستضعفان است که خود کارفرمای بزرگی به‌شمار می‌رود. این بنیاد، واحد‌های تجاری و کارگاه‌های این مجموعه را به کارفرمایان خرد اجاره داده است، اما این کارگاه‌ها، امکانات فنی، بهداشتی و ایمنی‌شان بسیار اندک است. به‌نحوی‌که حتی برخی از مکان‌ها لوله‌کشی گاز هم ندارد.

به گفته اکبری، شرکت ملی گاز بنا بر اینکه ساختمان این مجموعه، در اشل‌های استاندارد نمی‌گنجد، از اعطای گاز به آنها خودداری کرده است. «شرق» در گفت‌وگویی که با سخنگوی شرکت ملی گاز داشت، باخبر شد که درخواستی از سوی مالک این مجموعه برای اتصال به شبکه ملی گاز نشده است. البته مجید بوجارزاده این پرسش را که چرا باید یک مجتمع تجاری حتما درخواستی برای اتصال به شبکه داشته باشد و چرا اجباری در اتصال به شبکه وجود ندارد، بی‌پاسخ گذاشت.

به گفته اکبری، شرکت ملی گاز بنا بر اینکه ساختمان این مجموعه، در اشل‌های استاندارد نمی‌گنجد، از اعطای گاز به آنها خودداری کرده است.

به گفته او، وقتی از روابط و مناسبات کار مقررات‌زدایی می‌شود، احتمال هر نوع واقعه‌ای وجود دارد. این حادثه در سطح ملی است و نمی‌توان آن را محدود کرد، چراکه در این حادثه، آتش‌نشانان جان خود را از دست داده و سرمایه‌های

مادی و معنوی از بین رفته است.

وزارت کار مسئول بی‌کاری ۴ هزار کارگراست

او درباره بی‌کاری چهار هزار کارگری می‌افزاید: در این حادثه نمی‌توان کارفرمایان خرد را هم مسئول دانست و تصریح می‌کند: کارفرمای خرد چیزی ندارد که بتواند کارگران را مشغول به کار کند. تمام سرمایه‌اش در آتش سوخته است. اکنون آنکه مسئول است وزارت کار است. این وزارتخانه باید به این چهار هزار کارگر چه بیمه داشته باشند و چه نه، بیمه بی‌کاری بدهد؛ زیرا این وزارت کار بوده که موظف به بازرسی بوده و از وظیفه خود تخطی کرده است. وزارت کار ملزم به پرداخت بیمه همه این چهار هزار کارگری است که در این حادثه بی‌کار شده‌اند.

اکبری علت این‌م مطالبه را این‌گونه تشریح می‌کند: وزارت کار بررسی نکرده که آیا این تعداد بیمه هستند یا نه تا اگر نیستند علت را جویا شود تا کارفرمایان را وادار به بیمه کارگران کند. نظارت و بازرسی یکی از وظایف مهم دولت است. اکنون خیلی از کارگران بیمه نیستند و علت آن نیز به رواج قراردادهای موقت بازمی‌گردد. دولت کم‌کاری کرده و مقصر است و باید نسبت به وضعیت این چهار هزار نفر پاسخ‌گو باشد تا تحت شمول بیمه کارگری قرار گیرند. این خواسته نیست، بلکه وظیفه دولت در شرایط کنونی است.

کارگران شیفت شب پلاسکو

درحالی‌که کارگران واحدهای تولیدی «پلاسکو» اغلب شب‌کار بوده‌اند، خبرها حاکی از آن است که نظارتی بر شیفت کاری آنها انجام نگرفته است. به گفته اکبری، وقتی یک کارگاه از شمول قانون کار خارج می‌شود، کارفرما آیین‌نامه و قوانین خاص خود را در دستور کار قرار می‌دهد که به آن، قوانین خودویژه گفته می‌شود. این قوانین خودویژه، اجازه می‌دهد که کارفرما، کارگر شیفت شب استخدام کند، اما حق شیفت ندهد و هر دستمزدی که بخواهد به او بپردازد. این اتفاق، در شرایطی رخ می‌دهد که وزارت کار هیچ نظارتی بر شیفت‌های شب ندارد. او تصریح می‌کند: هیچ‌گاه در تاریخ فعالیت وزارت کار در ایران ندیده‌ایم که نماینده و بازرس وزارت کار، شبانه از کارخانه (و نه لزوماً یک کارگاه کوچک) بازدید کند و هرگاه قصد نظارت داشته، در وقت اداری ناظر به محل می‌فرستد.

این فعال کارگری این اقدام را کوتاهی وزارت کار می‌داند و می‌افزاید: وزارت کار از شیفت‌های شب مطلع است؛ چراکه تمام کارگاه‌ها موظف هستند شیفت‌های کاری خود را اعلام کنند تا هزینه‌های آن برای پرداخت بیمه مشخص شود، اما در عمل چنین نمی‌شود؛ چون همه امور را به پیمانکار سپرده‌اند و پیمانکار هم گزارش واقعی ارائه نمی‌دهد. حتی اگر وزارت کار پیمانکار را موظف کند، پیمانکار وزارت کار را گمراه می‌کند.

سردار قادر کریمی، جانشین پلیس پایتخت هم با تاکید بر مراجعه‌نگردن مردم در محل حادثه و همکاری با نیروهای انتظامی و پلیس اطمینان خاطر داد که گاو صندوق‌ها و اموال منقوله مکشوفه در محل حادثه به گنجینه‌ای در پلیس آگاهی منتقل شده و پس از اتمام عملیات در اختیار صاحبانشان قرار می‌گیرد. علی فاضلی، رئیس اتاق اصناف ایران در گفت‌وگوهای خود با رسانه‌ها، تاکید کرده برای این صاحبان صنوف، چاره‌اندیشی خواهد شد و مکانی را برای فعالیت آنها در نظر خواهند گرفت. به گفته او، طبق برآوردهایی که از اظهارات اتحادیه‌ها شده است، با در نظرگرفتن مجموعه اماکن، مواد اولیه و ماشین‌آلات مستقر در این ساختمان و میزان سرمایه‌ای که در این مجموعه بود، میزان سرمایه رفته، بالای هزار میلیارد تومان بوده است. به گفته او، تنها یک پنجم این واحدها بیمه بوده‌اند.

هزاران کارگری که بی‌کار شدند

در این میان اختلاف‌نظر درباره تعداد نیروی کار فعال در این مجتمع از جانب مسئولان مختلف دیده می‌شود. محمود نبوی، رئیس سابق اتحادیه تولیدکنندگان پوشاک می‌گوید بیش از چهار هزار نفر در ساختمان پلاسکو به‌صورت مستقیم فعالیت می‌کردند، اما در همین زمان، فاضلی، رئیس اتاق اصناف ایران می‌گوید بین دوهزارو ۷۰۰ تا دوهزارو ۸۰۰ نفر در این مجتمع مشغول به کار بوده‌اند. مشخص نیست این اختلاف‌نظر فاحش از کجا آب می‌خورد، اما این‌جای پیداست تعداد زیادی از کارگران در دو ماه باقی‌مانده تا شب عید، بی‌کار شده‌اند.

کمک‌های مالی در انتظار صاحبان بنگاه‌های مجتمع سوخته

او خبر داده که قرار است کمته‌ای مستقر در اتاق تهران تشکیل شود تا در آن به فکر کمک‌های مالی از جمله کمک‌های مردمی و او‌های کم‌بهره یا بی‌بهره برای صاحبان صنوف موجود در این مجتمع باشند. فاضلی می‌گوید عمق فاجعه زیاد است و به نگرانی صاحبان بنگاه درباره اسناد و گاو صندوق‌ها آگاه است. بر همین مبنا به صاحبان حدود ۶۰۰ واحدی که در این مجتمع قرار داشتند، اطمینان داده تمام مدارک، مستندات و گاو صندوق‌هایی که کشف می‌شود به بیرون منتقل و در جای امن نگهداری می‌شوند. او همچنین خبر داده، جلوگیری از افزایش قیمت پوشاک و طراحی محلی برای استقرار اصناف، در دستور کار قرار دارد.

عمق این فاجعه در حدی است که تمام واحدهای تجاری اطراف این مجتمع اکنون تعطیل هستند و این یعنی ضرر و زیان بسیاری که از قِیل این حادثه به صنوف دیگر در آن راستا وارد می‌شود. با این اوصاف رقم ضرر و زیان اصلاً اندک نیست و رقم بالایی را شامل می‌شود.

همچره حال آن‌گونه که به نظر می‌رسد، چک‌های زیادی قرار است روز شنبه (امروز) برگشت بخورد.

ادامه از صفحه اول

ایران وزمان آزمون ترامپ

باید واقعاً «مورد عجیب دونالد ترامپ» را در تاریخ آمریکا ثبت کرد. ولی چه کسی می‌داند تا آخر چه اتفاقی خواهد افتاد. شاید این ضرب‌المثل ما ایرانی‌ها را باید کسی برای ترامپ ترجمه کند که «شاهنامه آخرش خوش است» و البته رفتار و حرکات و سکنات ترامپ ما را به شکلی عجیب به یاد کسی خاص و البته عجیب در ایران می‌اندازد.

اما پس از این مقدمه، به موضوع اصلی این نوشتار می‌پردازم که رویکرد ما «در ایران» به دونالد ترامپ چگونه باید باشد و چگونه مواجهه‌ای باید با او داشته باشیم. آیا باید او را یک فرصت یا یک تهدید فرض کنیم؟ آیا باید از همین روز اول با او تهاجمی برخورد کنیم؟ یا با او مواجهه تدافعی داشته باشیم؟ او را باید تحسین کنیم تا همراهش کنیم یا اینکه تقبیحش کنیم تا عقب‌نشینی کند؟

به نظر می‌آید نوع مواجهه با «پدیده‌ای به نام ترامپ»، تابعی از «خود واقعیت ترامپ» است و واقعیت ترامپ چیزی جز شخصیت او نیست. اما چه عناصری مهم‌ترین وجوه شخصیتی ترامپ را می‌سازد که ما با درک این وجوه شخصیتی، بهتر با او روبه‌رو شویم و منافع ملی کشور ما بیشتر محقق شود.

شاید اولین و مهم‌ترین وجه شخصیتی ترامپ، «خودساخته‌بودن» اوست. ترامپ که یک‌کته خود را به این شرایط رسانده است، بیش از هر چیز دیگر و پیش از هر چیز دیگر اعتمابه‌نفس است. او خود را بیشتر از هر کس قبول دارد و خود را قهرمان می‌پندارد. نام یکی از کتاب‌های او «مانند قهرمان فکر کن» است. (Think Likea Champion) این کتاب‌که نفس فوق‌العاده موجب می‌شود او به عنوان آگنت (Agent) سعی کند، ساختارها (Structures) را از خود متاثر کند. او هیچ ساختار و سازمانی را که مخالف خود باشد برنمی‌تابد و با آنها روبه‌رو می‌شود. چه این سازمان، حزب جمهوری‌خواه باشد، چه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و چه جامعه رسانه‌ای آمریکا و چه هر چیز دیگر. او فکر می‌کند فاعل بارآدای است که می‌تواند هر ساختاری را صرف نظر از جایگاه و کارکرد آنها مهار کند و در کنترل خود درآورد و در جهت نیتش به حرکت درآورد. دومین ویژگی مهم شخصیتی «دونالد ترامپ را باید «زودرنجی» او دانست. «باراک اوباما» در هنگامه رقابت‌های انتخاباتی، ترامپ را فاقد صلاحیت رهبری آمریکا دانست و گفت کسی که نمی‌تواند به نیتش با برمی‌خیزد تا در توئیتر به کسی پاسخ گوید، نمی‌تواند رئیس‌جمهور آمریکا باشد. «زودرنجی» و حساسیت ترامپ، به‌ویژه آنکه موضع‌گیری‌ها نه متوجه سیاستی خاص، بلکه متوجه شخص وی باشد، موجب می‌شود او به‌سرعت از کوره در رود و با سرعت، آنچه را می‌داند یا اصلاً نمی‌داند متوجه قیقب کند. او چنان زودرنج است که حتی به یک شوی تلویزیونی که او را به تمسخر گرفته بود، به‌شدت واکنش نشان داد. زودرنجی ذاتی ترامپ موجب می‌شود که در مواجهه با پدیده‌های ناخوشایند به انتقام بپندیشد. او در کتاب «بزرگ فکر کن» (Think Big) می‌گوید: «من همیشه انتقام می‌گیرم. اگر کسی آزارتان بدهد شما تلافی نکند از او هم بدتر هستید. امروز دیگر هیچ‌کس سر به سر من نمی‌گذارد، چون می‌دانند که من کوتاه نمی‌آیم و تلافی می‌کنم». سومین ویژگی مهم شخصیتی ترامپ را باید شخصیت معامله‌گر او دانست. او در کتاب بزرگ فکر کن خود را معامله‌گر بزرگ می‌نامد و حتی جانده یا معامله‌گر بزرگ را نیز در آمریکا برده است. او در این کتاب می‌گوید: دنیا محل معامله است و با معامله می‌توان هر چیزی را حل‌وفصل کرد. او به قدری به معامله‌کردن اعتقاد دارد که کتاب دیگری به نام ترامپ و هنر معامله (Trump and the Art of Deal) را نوشته و به آموزش هنر معامله‌کردن به سایر دیگران پرداخته است. رهامرین ویژگی اصلی شخصیتی ترامپ را باید «ساده‌انگیزی پدیده‌های بین‌المللی و کم‌سواد ی سیاسی» او دانست. در یک سال اخیر، انبوهی از دیدگاه‌های ترامپ درباره پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی را دیده‌ایم و شنیده‌ایم و گاهی اوقات از شدت کم‌دانشی سیاسی وی به‌شدت تعجب کرده‌ایم. کشیدن دیوار در مرز آمریکا با مکزیک و گرفتن هزینه آن از مکزیک‌ها به زور، متلاشی‌شدن اتحادیه اروپا و ناتو، تأثیرنگذاشتن مصرف انرژی‌های فسیلی بر گرم‌شدن زمین و زیرسؤال‌بردن نظر این‌همه دانشمند و پژوهشگر، بارگرددن برجام، اخراج ۱۱ میلیون مهاجر غیرقانونی از آمریکا با توسل به زور، ارائه این ایده که اگر صدام و قذافی هنوز سرکار بودند، دنیا جای بهتری بود، تحت نظر قراردادن مساجد مسلمانان در آمریکا و اینکه باید داعش را با بمب صاف کرد، نمونه‌هایی از دیدگاه‌های ساده‌اندیشانه اوست. بنابراین اگر ترامپ تاجر قهاری باشد، حقیقتاً سیاست‌مداری کم‌سواد یا حداقل بی‌تجربه است و درکی واقعی از موضوعات بین‌المللی ندارد. اما حالا چنین «پدیده‌ای»، رئیس‌جمهوری آمریکا شده است، ایران به‌عنوان یک واحد سیاسی که «خواسته یا ناخواسته»، «با اراده یا باریاده»، «براساس تصادف یا برنامه‌ریزی» در مواجهه دائمی با آمریکا قرار دارد و در انتخابات آمریکا نیز یکی از اسامی پرتکرار و پرتوجه بوده، چگونه در دوران ترامپ باید رفتار کند که هم منافعش محقق و هم کمترین هزینه‌ها را متقبل شود. به نظر می‌رسد به ترمایی که ملغمه‌ای از تضادهاست، رئیس‌جمهوری که بدنام است و ولی می‌خواهد در تاریخ آمریکا خوش‌نام بماند، رئیس‌جمهوری که می‌خواهد اما نمی‌داند، باید فرصتی حتی کوتاه داد.

ادامه در صفحه ۱۳